



### بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در بینة شرعیه که یکی از طرق ثبوت هلال است بود، شهادت عدلین در اسلام دارای اهمیت و جایگاه فوق العاده ای می باشد و در خیلی از جاها بسیار کارایی دارد من جمله در باب قضاوت و در مانحن فیه نیز یکی از طرق ثبوت هلال می باشد. روایات مربوط به این مسئله در باب ۱۱ از ابواب احکام شهر رمضان ذکر شده اند اخبار ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۵ و ۱۷ از این باب دلالت دارند بر ثبوت هلال بواسطه شهادت عدلین که ما تعدادی از آنها را می خوانیم، خبر اول از این باب ۱۱ این خبر است: «محمد بن الحسن بإسناده عن موسى بن القاسم، عن معاوية بن عمّار، عن أبي عبدالله (ع) قال: إن كان لك مقام بالمدينة ثلاثة أيام صمت أول يوم الأربعاء وتصلّى ليلة الأربعاء عند أسطوانة أبي لبابة وهي أسطوانة التوبة، التي كان ربط نفسه إليها حتى نزل عذره من السماء، و تقعد عندها يوم الأربعاء، ثم تأتي ليلة الخميس التي تليها ممّا يلي مقام النبي (ص) ليلتك و يومك، و تصوم يوم الخميس، ثم تأتي الأسطوانة التي تلي مقام النبي (ص) و مصلاه ليلة الجمعة فتصلّى عندها ليلتك و يومك و تصوم يوم الجمعة، فإن استطعت أن لا تتكلم بشئ في هذه الأيام فافعل إلّا ما لا بدّ لك منه، و لا تخرج من المسجد إلّا لحاجة، و لا تنام في ليل و لا نهار فافعل، فإنّ ذلك ممّا يعد فيه الفضل، ثمّ أحمد الله في يوم الجمعة و أثن عليه وصلّ على النبي (ص)، وصلّ حاجتك، وليكن فيما

تقول ( اللهم ما كانت لي إليك من حاجة شرعت أنا في طلبها و التماسها أو لم أشرع سألتكها أو لم أسألكها فأنتي أتوجه إليك بنبيك محمد نبي الرحمة (ص) في قضاء حوائجي صغيرها و كبيرها ) ، فإنّك حرى أن تقضى حاجتك إن شاء الله . « . كلینی این خبر را به دو سند ذکر می کند که بعد به هم پیوند می خورند خبر سنداً صحیح می باشد و دلالتش بر مانحن فیه نیز بسیار روشن است .

خبر بعدی خبر ۳ از همین باب ۱۱ می باشد، خبر این است: « و عنه، عن محمد بن الوليد، عن يونس، عن أبي عبدالله (ع) في رجل متمتع لم يكن معه هدى، قال: يصوم ثلاثة أيام: قبل التروية بيوم، و يوم التروية، و يوم عرفة، فقلت له: إذا دخل يوم التروية و هو لا ينبغي أن يصوم بمنى أيام التشريق؟ فقال: إذا رجع إلى مكة صام، قال: قلت: فإنه أعجله أصحابه و أبوا أن يقيموا بمكة؟ قال: فليصم في الطريق قال: قلت: يصوم في السفر؟ قال: هو ذا، هو يصوم في يوم عرفة و أهل عرفة هم في السفر». این خبر هم سنداً صحیح است و دلالتش نیز بسیار روشن است .

خبر بعدی خبر ۴ از همین باب ۱۱ می باشد، خبر این است: « محمد بن الحسن بإسناده عن الحسين بن سعيد، عن الحسن، عن صفوان عن منصور بن حازم، عن أبي عبدالله (ع) أنه قال: صم لرؤية الهلال و أفطر لرؤيته، فإن شهد عندكم شاهدان مرضيان بأنهما رأياه فاقضه . « . خبر سنداً صحیح است و این روایت بر دو مطلب دلالت دارد اول اینکه در صم للرؤية و أفطر للرؤية رؤيت طريق است نه اینکه موضوعیت داشته باشد و ثبوت هلال فقط

منحصر به آن باشد، مطلب دوم اینکه حضرت فرموده اند اگر شاهدان عدلان آمدند و شهادت به رؤیت دادند باید قضا کنی و دیگر فرمودند که آن شاهدان عدلان از بلد نزدیک آمده باشد یا از بلد دور از داخل بلد باشند یا از خارج بلد و افقشان با شما وحدت دارد یا ندارد، بلکه روایت اطلاق دارد خلاصه اینکه اخباری که ذکر کردیم (۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۵ و ۱۷) همگی بر حجیت شهادت عدلین در مسئله رؤیت هلال دلالت دارند.

خوب و اما در همین باب روایاتی وجود دارد که در آنها توهم شده بینه حجیت ندارد لذا با روایات مذکور متعارض می باشد لذا در حاشیه عروۃ نیز بعضی از محشین مطالبی را ذکر کرده اند که از همین روایات متعارض سرچشمه می گیرد. خوب یکی از اخباری که توهم شد متعارض می باشد خبر ۱۳ از همین باب ۱۱ می باشد، خبر این است: «و یأسناده عن سعد بن عبدالله، عن ابراهیم بن هاشم، عن إسماعیل؛ عن یونس بن عبدالرحمن، عن حبیب الخزاعی قال: قال أبو عبدالله (ع) لا تجوز الشهادة فی رؤیة الهلال دون خمسين رجلاً عدد القسامة، و إنما تجوز شهادة رجلین إذا كانا من خارج المصر و كان بالمصر علة فأخبرا أنّهما رأیاه، و أخبرا عن قوم صاموا للرؤیة و أفطروا للرؤیة». اسماعیل بن مرار وثاقتش ثابت نیست البته آقای خوئی طبق مبنای خودشان قائلند که چون اسماعیل بن مرار در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم واقع شده لذا موثق می باشد که البته ما مبنای ایشان را قبول نداریم زیرا ما قول این بزرگواران را از باب رجوع به اهل خیره حجت می دانیم در حالی که این بزرگواران خیره در علم رجال نیستند

بلکه جزء محدثان بزرگ می باشند لذا قولشان برای ما حجت نیست، حیب خزاعی سه اسم برایش ذکر شده؛ حیب خزاعی و حیب خثعمی و حیب جماعی، در علم رجال نیز بحث شده که این کدام یک از آنها می باشد؟ آیت الله خوئی در مستند العروۃ فرموده که حیب خزاعی مجهول است و ما آن را نمی شناسیم ولی در معجم رجال حدیث درباره او گفته؛ حیب الخزاعی و الخثعمی و متحدان و هو ثقة (جلد ۴ معجم رجال ص ۲۲۸)، خلاصه اینکه این روایت ضعیف است و همانطور که می بینید در این خبر گفته شده؛ لا تجوز الشهادة فی رؤیة الهلال دون خمسين رجلاً عدد القسامة واحكام قسامة نیز در کتاب دیات به طور مفصل ذکر شده لذا در این خبر مطالبی ذکر شده که با آن اخباری که بر حجیت شهادت عدلین در رؤیت هلال دلالت داشتند تعارض دارد، توضیح این مطلب بماند برای جلسه بعد انشاء... .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین